

پرتو ساقی
(جامع احادیث مشنوی)
دفتر دوّم

دکتر کاظم محمدی

Dr. Kagem Mohammadi

محمّدی وایفانی، کاظم، ۱۳۴۰.

پرتو ساقی (جامع احادیث مننوی) دفتر دوم / کاظم محمّدی.

کرج نجم کبری.

۲۵۶ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸ دوره ۸

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۶-۲

شابک جلد ۲:

مونوی، جلال الدین محمّد بن محمّد ۶۰۴-۶۷۲ ق. مننوی -- نقد و تفسیر.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مننوی -- احادیث.

کتابنامه: ص [۲۴۳] -- هم چنین به صورت زیر نویس.

شعر فارسی -- قرن ۷ ق -- تاریخ و نقد.

حدیث در ادبیات فارسی.

PIR ۵۳۰۱/م۳۵

۱۳۹۲

۸/۱۱/۳۱

۳۳۶۸۴۵۲

نام کتاب: پرتو ساقی (جامع احادیث مننوی) دفتر دوم

نویسنده: دکتر کاظم محمّدی

انتشارات: نجم کبری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و انتشارات وابسته به اوقاف

تیراژ: ۱۰۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۳

بهای دوره: ۲۰۰۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اول

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۴-۸

شابک جلد دوم: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۶-۲

فهرست

۹	مقدمه
۱۳	۱-۱۶۲ خلوت از اغیار باید نی زیار...
۲۰	۲-۱۶۳ چون که مؤمن آینه مؤمن بود...
۲۴	۳-۱۶۴ خواب بیداری است چون با دانش است...
۳۰	۴-۱۶۵ او جمیل است و محب للجمال...
۳۳	۵-۱۶۶ پس دعاها کان زیان است و هلاک...
۳۴	۶-۱۶۷ تفرقه در روح حیوانی بود...
۳۸	۷-۱۶۸ صد هزار ابلیس لاحول آر بین...
۵۶	۸-۱۶۹ ذکر با او هم چو سبزه‌ی گلخن است...
۵۹	۹-۱۷۰ پس کلام پاک در دل‌های کور...
۶۰	۱۰-۱۷۱ چون که موسی رونق دور تو دید...
۶۲	۱۱-۱۷۲ طعمه بنمود به ما و آن بوده شست...
۶۵	۱۲-۱۷۳ صوفیان درویش بودند و فقیر...
۶۶	۱۳-۱۷۴ گفت پیغمبر که دست هر چه برد...
۶۷	۱۴-۱۷۵ والله ار سوراخ موشی در روی...
۶۹	۱۵-۱۷۶ صبر از ایمان بیابد سر کله...

- ۷۰ ۱۷۷-۱۶ گفت پیغمبر که یزدان مجید...
- ۷۳ ۱۷۸-۱۷ چشم را ای چاره جو در لامکان...
- ۷۵ ۱۷۹-۱۸ النبی قد ركب معروریا...
- ۷۷ ۱۸۰-۱۹ تا نگریدی تو گرفتار اگر...
- ۷۹ ۱۸۱-۲۰ من ندیدم در جهان جستجو...
- ۸۲ ۱۸۲-۲۱ ز آن که هفتصد پر دارد نور حق...
- ۹۳ ۱۸۳-۲۲ آدمی مخفی است در زیر زبان...
- ۹۶ ۱۸۴-۲۳ گفت پیغمبر که هر کس از یقین...
- ۹۸ ۱۸۵-۲۴ صد هزاران پادشاهان و مهان...
- ۱۰۶ ۱۸۶-۲۵ روح او باروخ شه در اصل خویش...
- ۱۱۰ ۱۸۷-۲۶ هست دست راست اینجا ظنّ راست...
- ۱۱۲ ۱۸۸-۲۷ مصطفی فرمود از گفت جحیم...
- ۱۱۷ ۱۸۹-۲۸ این سخا شاهی ست از سرو بهشت...
- ۱۲۰ ۱۹۰-۲۹ ز آن که مخلص در خطر باشد مدام...
- ۱۲۲ ۱۹۱-۳۰ داد هر حلقه فنونی دیگر است...
- ۱۲۴ ۱۹۲-۳۱ ز آب هر آلوده گر پنهان شود...
- ۱۲۸ ۱۹۳-۳۲ دوست همچون زر بلا چون آتش است...
- ۱۳۰ ۱۹۴-۳۳ سیرتی کآن بر وجودت غالب است...
- ۱۳۳ ۱۹۵-۳۴ بندگان خاص علام الغیوب...
- ۱۳۵ ۱۹۶-۳۵ چون که ملعون خواند ناقص را رسول...
- ۱۳۶ ۱۹۷-۳۶ گویم ای خورشید مقرون شو به ماه...
- ۱۳۷ ۱۹۸-۳۷ آفتاب و مه چو دو گاو سیاه...
- ۱۳۹ ۱۹۹-۳۸ هین به پشت آن مکن جرم و گناه...
- ۱۴۰ ۲۰۰-۳۹ ز آن که حکمت همچو ناقه‌ی ضالّه است...
- ۱۴۵ ۲۰۱-۴۰ چون طلب کردی به جد آمد نظر...

- ۲۰۲-۴۱ آن که گفت آنی مرصت لم تعد... ۱۴۸
- ۲۰۳-۴۲ تا توانی پامنه اندر فراق... ۱۴۹
- ۲۰۴-۴۳ من نکردم خلق تا سودی کنم... ۱۵۲
- ۲۰۵-۴۴ ما برون را ننگریم و قال را... ۱۵۴
- ۲۰۶-۴۵ خون شهیدان را ز آب اولی تر است... ۱۵۸
- ۲۰۷-۴۶ حفت الحنه به مکروهاتنا... ۱۶۲
- ۲۰۸-۴۷ تخم مایه‌ی آتشات شاخ تر است... ۱۶۵
- ۲۰۹-۴۸ ز اخروهن مرادش نفس توست... ۱۶۶
- ۲۱۰-۴۹ ز آتش این ظالمانت دل کباب... ۱۶۷
- ۲۱۱-۵۰ گفت پیغمبر عداوت از خرد... ۱۷۱
- ۲۱۲-۵۱ مصطفی فرمود گوید اگر گویم به راست... ۱۷۲
- ۲۱۳-۵۲ یاد الناس معادن هین بیار... ۱۷۴
- ۲۱۴-۵۳ از صحابه خواهی بیمار شد... ۱۷۷
- ۲۱۵-۵۴ وحی آمد سوی موسی این عجب... ۱۸۴
- ۲۱۶-۵۵ بر زن و بر فعل زن دل می نهید... ۱۸۶
- ۲۱۷-۵۶ کعبه هر چندی که خانه‌ی بر اوست... ۱۹۰
- ۲۱۸-۵۷ چون مرا دیدی خدا را دیده‌ای... ۱۹۱
- ۲۱۹-۵۸ از دو پاره پیه آن نور روان... ۱۹۴
- ۲۲۰-۵۹ مؤمنان در حشر گویند ای ملک... ۱۹۶
- ۲۲۱-۶۰ عجلوا الطاعات قبل الفوت گفت... ۱۹۸
- ۲۲۲-۶۱ گفت ابلیسش گشای این عقد را... ۲۰۱
- ۲۲۳-۶۲ گفت پیغمبر نشانی داده است... ۲۰۵
- ۲۲۴-۶۳ قاضی‌ای بنشانند او می گریست... ۲۰۷
- ۲۲۵-۶۴ طاعت عامه گناه خاصگان... ۲۰۸
- ۲۲۶-۶۵ راست می فرمود آن بحر کرم... ۲۱۴

- ۲۱۶ ۶۶-۲۲۷ من نشسته در کنار آتشی...
- ۲۱۸ ۶۷-۲۲۸ مؤمن کیس ممیز کو که تا...
- ۲۲۱ ۶۸-۲۲۹ لفظ در معنی همیشه نارسان...
- ۲۲۳ ۶۹-۲۳۰ آخرین قرن‌ها پیش از قرون...
- ۲۲۷ ۷۰-۲۳۱ بهر این بو گفت احمد در عظات...
- ۲۲۹ ۷۱-۲۳۲ نیست دون القلتین و حوض خُرد...
- ۲۳۰ ۷۲-۲۳۳ گر شود عالم پر از خون مال مال...
- ۲۳۲ ۷۳-۲۳۴ رو که سجده گاه ما را لطف حق...
- ۲۳۶ ۷۴-۲۳۵ در خبر خیر الامور اوساطها...
- ۲۳۷ ۷۵-۲۳۶ گفت پیغمبر که عینای تنام...
- ۲۴۳ گزیده منابع و مأخذ

مقدمه

گفت ایسزد یحمل اسفاره بار باشد علم کآن نبود ز هو
 علم کآن نبود ز هو بی واسطه آن نباید هم چو رنگ ماشطه
 لیک چون این بار را نیکو کشی بار بر گیرند و بخشندت خوشی
 هین مکش بهر هوا آن بار علم تا بیسی در درون انبار علم
 تا که بر رهوار علم آیی سوار بعد از آن افتد تو را از دوش بار
 از هواها کی رهی بی جام هو؟ ای ز هو قانع شده با نام هو
 از صفت وز نام چه زاید، خیال و آن خیالش هست دلال وصال
 دیده‌ای دلال بی مدلول هیچ تا نباشد جاده نبود غول هیچ
 هیچ نامی بی حقیقت دیده‌ای؟ یا ز گاف و لام گل گل چیده‌ای
 اسم خوانندی رو مسمی را بجو مه به بالا دان نه اندر آب جو
 گر ز نام و حرف خواهی بگذری پاک کن خود را ز خود هین یکسری
 هم چو آهن ز آهنی بی رنگ شو در ریاضت آینه‌ی بی رنگ شو
 خویش را صافی کن از اوصاف خود تا ببینی ذات پاک صاف خود
 بینی اندر دل علوم انبیا بی کتاب و بی معید و اوستا

گفت پیغمبر که هست از اَتمم گاو بود هم گوهر و هم همّتم
مر مرا ز آن نور بیند ذاتشان که من ایشان را همی بینم بدان
بی صحیحین و احادیث و روایات بلکه اندر مشرب آب حیات
د، ب، ۳۴۷۰-۳۴۵۴

به خواست خداوند مَنان به دفتر دوم رسیدیم و احادیث مندرج
در ابیات این دفتر را نیز چونان دفتر اوّل با منابع و مآخذ مستند و
کافی از هر دو فرقه ذکر کردیم و استشهداتی از اهل طریق را در
این خصوص به مانند جلد نخست چاشنی بحث نمودیم. و
شواهدی دیگر از یک حدیث را در دیگر ابیات مولانا در ذیل هر
موردی آوردیم تا خواننده‌ی گرامی با دیگر موارد حدیثی در
مثنوی و احیاناً دیوان کبیر آشنا گردد. این جلد نیز به مانند جلد
پیشین کتابی مرجع برای یافتن خیل کثیر احادیث و اخبار مهمّ
نبوی در مثنوی است که توسط مولانا گزینش و بیان شده است.
هر چند که مولانا تقریباً در هیچ موردی سند و مآخذ روایت را
بیان نکرده است و برای او چندان مهمّ هم به نظر نمی‌رسیده، مراد
بیان لبّ لباب مطلب بوده که در دل حدیث وجود داشته و مولانا
آن را در قالب شعر، چه با قید الفاظ صوری حدیث و چه با بیان
معنای حدیث در نظم مثنوی گنجانده و جای داده است.

همان‌طور که در جلد قبل دیدیم گذشته از مآخذ روایی
فریقین، استنادات فراوان و ارجاعات بسیار به آثار و منابع عرفانی
و صوفیانه‌ی پیش از مولانا داشتیم و بی‌تردید همان گونه که بیان

کردیم مولانا از نزدیک با آن آثار به مانند: قوت القلوب ابوطالب مکی، رساله قشیریه، کشف المحجوب هجویری، آثار شیخ عبدالرحمن سلمی، آثار غزالی و به خصوص احیاء علوم الدین، آثار ابن القضاة همدانی، آثار سهروردی، شیخ اشراق و دیگر سهروردی عارف، آثار شیخ نجم الدین کبری و شیخ نجم الدین رازی و حکیم سنایی غزنوی، شیخ عطار، و کسان دیگر آشنا بوده و استفاده می کرده است.

به هر جهت دفتر دوم نیز از جهت کثرت و تعداد ابیاتی که به نوعی قید حدیث دارد تقریباً با دفتر نخست یکسان و برابر است. دیگر دفاتر مثنوی، یعنی از جلد سوم تا انتهای دفتر ششم هم به اندازه‌ی قابل توجهی حدیث را در خود جای داده است، و این همه نشان تأثیر پذیری مولانا است از اخبار و احادیث نبوی و نیز علاقه‌ی او به بیان حدیث و سخن بزرگان دین.

هر چند که اصل علم و معرفت در نزد مولانا و دیگر عارفان من عندالله و بی واسطه است ولی در عین حال از دانش حدیث هم نمی‌توان به سادگی گذشت. ولی وقتی برخی افراد ساده چندان به آن دلبسته می‌شوند که از علم اصلی و عالم حقیقی باز می‌مانند. در نزد عارف و صوفی صافی ضمیر که علم و معرفتش را از حق می‌گیرد نوعی مانع و حجاب محسوب می‌گردد. و گذشتن از این حجاب را هم نوعی مجاهده می‌یابد. به هر حال اعتقاد مولانا به حدیث از این بابت که سخن نبی است و سخن نبی برخاسته از

وحی بوده و خالی از اغراض نفسانی است، خود نوعی وحی محسوب می شود و به عنوان علمی از علوم باطنی و حقیقی جلوه می کند و چنان که آن حضرت «شهر علم» باشد و امام علی علیه السلام باب آن محسوب گردد لاجرم علم را گذشته از قرآن باید از آن منبع و چشمه ی جوشان جست، و این کاری است که عارفان بدان رسیده اند و طبق آن عمل کرده اند.

باری امید است که این مجلد نیز مورد توجه دوستان مولانا و اهل حدیث قرار بگیرد، خاصه از صاحب حدیث نیز باشد که مددی بر این راقم در رسد تا بتواند به ذکر و بیان احادیث نبوی و علوی در دیگر مجلدات مثنوی اهتمام نماید و اسناد و مأخذ احادیث آن را نقل و بررسی کند.

و من الله التوفیق

کاظم محمدی

بهار ۱۳۹۳